



Course Title: English For Managers (Virtual Communication Approach)

Section Title: American Language Course Book 2200 – Student Glossary – UNIT 2207

Lesson No: 2207

Tags: American Language Course, UNIT 2207, Glossary

Let me know.	خبرم کن.	Do you give this guarantee in writing?	آیا این گارانتی را به صورت کتبی می‌دهید؟
Convertible	کانورتبل یا خودرو با سقف جمع شونده پارچه‌ای که معمولاً در ایران به آن خودرو کروکی گفته می‌شود.	Go wrong	خراب شدن، مشکل پیدا کردن
Besides	علاوه بر	Wear	فرسودگی، کهنه شدن
Hardtop	خودرو با سقف ثابت یا جمع شونده فلزی	Tear	پاره کردن، از هم گسیختن
Honey	عسل	Wear and tear	فرسودگی و کهنگی ایجاد شده بر اثر کار کردن
It's a honey.	خیلی باحاله. (در مورد یک خودرو یا معامله پرسود یا یک کالای ارزشمند)	Broken	خراب شده
How many miles does it have on it?	چقدر کار کرده؟ چند مایل راه رفته؟ (در مورد خودرو دست دوم)	Hint	پند، اندرز، راهنمایی، ایما، اشاره، نکته
Tire	لاستیک خودرو	Practical	عملی، واقع بینانه، انجام شدنی
Wheel	چرخ خودرو	In that way	بدین طریق، بدین ترتیب
Are the tires in pretty good shape?	آیا لاستیک هاش سالمند؟	In general,	بطور کلی
It has new tires on all 4 wheels.	هر چهار تا لاستیک چرخش نو هست.	Salesclerk	فروشنده، کارمند فروشگاه
Try out	آزمایش کردن، امتحان کردن	Commission	[حق] کمسیون
Look around	چرخ زدن و گشتن دنبال کالای مورد نظر	Overeager	بیش از حد مشتاق، بسیار پرانگیزه و بی قرار
Lot	جایگاه، محوطه، ناحیه	Make a sale	فروختن
Car lot	نمایشگاه خودرو، پارکینگ یا محلی که در آن خودروها در معرض نمایش و فروش قرار می‌گیرند.	Pressure	فشار آوردن، تحت فشار گذاشتن
Just the same	در هر حال، به هر حال، با این وجود	Suit (v.)	مناسب بودن، تناسب داشتن
Thanks just the same.	در هر حال ممنونم.	Taste	سلیقه
Look up	به کسی سر زدن، سراغ از کسی گرفتن	Pocketbook	کیف پول
Look me up.	یه سری به من بزن. سراغ من رو بگیر.	Ash	خاکستر
Ask for	دنبال کسی گشتن، سراغ کسی را گرفتن	Tray	سینی
I'll ask for you if I come back.	اگر برگردم [اینجا]، میام سراغت.	Ash tray	زیر سیگاری
By the way...	راستی، بذار ببینم...	Hobby	سرگرمی
How long is the guarantee on your cars?	گارانتی خودروهای شما چه مدته؟	Hobby shop	اسباب بازی فروشی
Replace	تعویض کردن، نو کردن	Skate	اسکیت کردن
Defective	معیوب، خراب	Rink	پیست بازی، زمین مخصوص اسکیت یا هاکی
Put on sale	برای فروش گذاشتن	Skating rink	زمین اسکیت
In writing	بصورت کتبی	Besides	علاوه بر
		Engineering	مهندسی، رشته مهندسی
		Could the trouble be something besides the battery?	آیا مشکل چیزی علاوه بر [مشکل] باتری است؟ آیا بجز باتری مشکل دیگری هم داره؟
		Exercise	ورزش، تمرین ورزشی
		Catch up	خود را رساندن، عقب افتادن را جبران کردن



Course Title: English For Managers (Virtual Communication Approach)

Section Title: American Language Course Book 2200 – Student Glossary – UNIT 2207

Lesson No: 2207 **Tags:** American Language Course, UNIT 2207, Glossary

Academic	آکادمیک، دانشگاهی	Awfully	خیلی خیلی، به شدت
They needed to catch up on the academic lesson.	آنها نیاز داشتند که خودشان را به درس دانشگاه برسانند. (عقب افتادگی درسی شان در دانشگاه را جبران کنند).	But they're awfully expensive.	اما آنها به شدت گران هستند.
Transmission	انتقال [قدرت]، مجموع قطعاتی مانند جعبه دنده و... که در خودرو قدرت را از موتور به چرخها منتقل می کنند.	Light-weight	سبک، کم وزن
Standard transmission	سیستم انتقال قدرت معمولی (دنده دستی)	I want a light-weight suit.	یک دست کت و شلوار سبک (تابستانی) می خواهم.
Automatic transmission	سیستم انتقال قدرت اتوماتیک	Wool suit	کت و شلوار پشمی
Care for	دوست داشتن، علاقه داشتن	Fuselage	بدنه هواپیما
I don't care for any coffee.	اصلاً قهوه دوست ندارم.	Component	جزء، قطعه
Thanks just the same.	در هر حال ممنونم.	Mention	گفتن، ذکر کردن
Equation	معادله (ریاضی)	Straight and level flight	پرواز با سرعت و ارتفاع مشخص
Come out	به نتیجه رسیدن	You need a brake adjustment.	شما نیاز به تنظیم ترمز دارید.
I can't make this equation come out right.	نمی تونم این معادله رو حل کنم.	Engine tune-up	تنظیم موتور
Bureau	اداره، دفتر	Spare	یدکی، اضافی
Weather bureau	اداره هواشناسی	Spare tire	لاستیک زاپاس
Drip	چکه چکه ریختن	Keep up with	عقب نیفتادن، پا به پای کسی رفتن
Drip-dry	بشور و ببوش	Confidence	اعتماد
Lapel	یقه کت یا پالتو	Sharp	باهوش و زرنگ
The lapels on this coat don't look right.	یقه های این کت درست به نظر نمی رسند.	Make it (to)	خود را [به جایی یا برنامه ای] رساندن، آمدن، رفتن
This suit is too heavy for summer wear.	این کت برای پوشیدن [در] تابستان خیلی ضخیم است.	He says he can't make it.	او می گوید که نمی تواند بیاید.
To be made of	ساخته شدن از	Come up with	یافتن، پیشنهاد دادن، ارایه دادن
What material is it made of?	از چه پارچه ای ساخته شده است؟	I couldn't come up with all the answers.	من نتوانستم تمام پاسخها را ارایه دهم.
Durable	با دوام	Compare	مقایسه کردن
All wool	تمام پشم	Clear	تأیید کردن
Sweater	ژاکت، پولیور، لباس بافتنی	Solo	پرواز تک نفره، پرواز بدون حضور استاد خلبان
Synthetic	مصنوعی	I'm cleared for solo.	من برای پرواز تک نفره تأیید شده ام.
Fabric	قماش، پارچه	Catch on	فهمیدن، یاد گرفتن
Part wool	نیمه پشمی	Hope so = I hope so.	امیدوارم که اینطور باشد.
Awful	بسیار بد	Practice (v.)	تمرین کردن
		Exercise (n.)	تمرین
		To be made up of	از چیزی ساخته شدن
		Molecule	مولکول
		Solid	جامد
		Liquid	مایع



Course Title: English For Managers (Virtual Communication Approach)

Section Title: American Language Course Book 2200 – Student Glossary – UNIT 2207

Lesson No: 2207

Tags: American Language Course, UNIT 2207, Glossary

Gas	گاز	Uranium	عنصر اورانیوم
Matter	ماده، جسم	Atomic	اتمی
As you can see ...	همانطور که شما می‌توانید ببینید ...	Neon	عنصر نئون
Identify	شناسایی کردن، شناخته شدن	Sign	تابلو
Common	رایج	Store sign	تابلو فروشگاه
Steam	بخار	Lead	سرب
Transform	تبدیل کردن	Fluid	سیال، روان، جاری
Raise	بالا بردن	Name	نام بردن، بر شمردن
Lower (v.)	پایین آوردن	Previously	قبلاً
Extensively	بطور وسیع، بطور گسترده	Apply	به کار رفتن، به کار بردن، استفاده کردن
Technical field	حوزه فنی	Will	اراده، خواست
Steel	فولاد، آهن فراوری شده و سخت سازی شده	Effectively	بطور مؤثر
As well as	و، علاوه بر	Close	دقیق
Houseware	لوازم خانه (مانند ظروف آشپزخانه و...)	Lecturer	سخنران
Fittings	وسایل منزل، ابزار و اتصالات به کار رفته در لوله کشی	Unless	مگر اینکه
Commonly	بطور مشترک	React	واکنش نشان دادن
Alloy	آلیاژ	Impress	اثر گذاشتن، نقش انداختن روی
Instead of	به جای، در عوض	Physically	از نظر جسمی
Substance	ماده	At the same time	در عین حال، در آن واحد، بطور همزمان
Serve	خدمت کردن	Thoroughly	بطور کامل، کاملاً
Purpose	هدف، غایت، نتیجه	Appositive	عطف بیان، بدل، عبارتی که برای توضیح و تفسیر و یا بیان یک کلمه یا عبارتی دیگر در جمله وارد می‌شود.
To serve a purpose	کاربرد داشتن	Appoint	منسوب کردن، به کسب پست دادن
Brass	آلیاژ برنج (ترکیب دو فلز مس و روی)	Supreme	عالی، برتر، بزرگترین
Made up of ...	متشکل از ...	Court	دادگاه
Element	عنصر	The Supreme Court	دیوان عالی کشور
Chromium	عنصر کروم	Magnificent	باشکوه، مجلل، بزرگ
Trim	آراستن، پیرایش کردن، زیبا و مرتب کردن	Structure	ساختمان
Mercury	جیوه	Classical	کلاسیک، ساده و بی‌پیرایه و به دور از مظاهر تجدد
Tin	قلع	White Plains	شهر وایت پلینز در حومه نیویورک
Plating	آبکاری	Compound	ترکیب
Coating	پوشش دهی	AFB = Air Force Base	پایگاه نیروی هوایی
Soldering	لحیم کاری	Apposition	عطف بیان، بدل
Tungsten	عنصر تنگستن		



Course Title: English For Managers (Virtual Communication Approach)

Section Title: American Language Course Book 2200 – Student Glossary – UNIT 2207

Lesson No: 2207 **Tags:** American Language Course, UNIT 2207, Glossary

Admire	تحسین کردن، احترام قائل شدن	Movement	حرکت
I'm going to take chemistry.	می‌خوام درس شیمی بردارم.	Affect	تأثیر گذاشتن
It is a favorite sport of his wife's.	آن ورزش مورد علاقه همسرش است.	Stability	ثبات
Breathe (v.)	نفس کشیدن، تنفس کردن	Tendency	تمایل، گرایش
Breath (n.)	نفس، تنفس	Straight and level	حالت پروازی که در آن هواپیما در خط مستقیم و ارتفاع و سرعت مشخصی پرواز می‌کند.
So far	تاکنون	Turn	دور زدن، دور
A nickel is made of copper and nickel.	یک نیکل (سکه پول پنج سنتی آمریکا) از [فلزات] مس و نیکل ساخته شده است.	Climb	صعود کردن
Excellent	عالی، شگفت انگیز	Dive	شیرجه زدن، سرازیر شدن
More often	غالباً	Roll	غلطیدن، معلق زدن، یک چرخش کامل هواپیما در راستای محور آن
Notice	متوجه شدن	Attitude	حالت، طرز قرار گیری، نهش، رویکرد، نگرش
Tend to	تمایل داشتن، گرایش داشتن	Vertical	عمودی
Similarly,	به همین ترتیب	Axis	محور
Straight	راست و مستقیم	Whereas	در حالی که، در صورتی که
Course	مسیر، جهت، راستا	Longitudinal	وابسته به درازا، طولی، درازایی
Steady	مداوم، پیوسته، دائمی	Lateral	پهلویی، جانبی، کناری
Stable	ثابت، پا برجا، باثبات	Axes	محورها (جمع کلمه axis)
Stability	ثبات، پایداری	Semester	ترم درسی، نیم سال تحصیلی
Feature	ویژگی	Meet	برگزار شدن، تشکیل شدن (کلاس یا جلسه)
Build into	در درون چیزی قرار دادن، تعبیه کردن، بخشی از چیزی بودن	On top of	علاوه بر
Vehicle	وسیله نقلیه	How often does each course meet?	هر دوره چند وقت یک بار برگزار می‌شود؟
Aid (v.)	کمک کردن	Unusually	بطور غیر عادی، فوق العاده
Operator	کاربر، به کار اندازنده، راننده	Valve	شیر فلکه، سوپاپ، دریچه
Relatively	نسبتاً، تقریباً	Admit	قبول کردن، پذیرفتن، اجازه ورود دادن
Built-in	داخلی، توکار، درونی، درون ساخته، ذاتی	Cylinder	استوانه، سیلندر موتور
Restore	بازگرداندن، به وضعیت اول برگرداندن	Intake	ورودی
Motion	حرکت	Intake valve	سوپاپ ورودی
Rotation	چرخش	Known as	به نام، شناخته شده به عنوان
Involve	درگیر بودن	Idiom	اصطلاحات، واژگان تخصصی
Concern	نگران بودن	Experienced	باتجربه، مجرب
Concerned (adj.)	نگران، دلوپس	Navigator	مسیریاب، ناوبر
To be concerned with	نگران چیزی بودن		



Course Title: English For Managers (Virtual Communication Approach)

Section Title: American Language Course Book 2200 – Student Glossary – UNIT 2207

Lesson No: 2207 **Tags:** American Language Course, UNIT 2207, Glossary

Navigate

مسیریابی کردن، ناوبری کردن، هدایت کردن